

از: رحمت الله مهر از

تدوین قرآن در صدر اسلام



در زمان پیغمبر قرآن با خط حمیری نوشته میشد . طایفه مذکور نسبت
بسیار اقوام از یک تمدن نسبی بر خوردار بودند . آنان دولتی تشکیل دادند
که دنباله دولت سبا بود و قلمرو آنان یمن کنونی بوده است .
اولین دولت حمیری از ۱۱۵ قبل از میلاد تا ۳۰۰ بعد از میلاد و
دومین دولت حمیری از ۳۰۰ تا ۵۲۵ میلادی که یمن بدست حبشی‌ها
اشغال شد دوام یافت و دارای خط و تمدن باستانی بودند .
اما طولی نکشید که حضرت محمد دستور داد تا قرآن را با خط سریانی
بنگارند .

سریانیها نیز منسوب بسوریه بودند که زبانشان یکی از صورتهای زبان
آرامی بود .

پس از نفوذ اسکندر در شرق نزدیک زبان یونانی جایگزین زبان آرامی
شد و از آن پیعد زبان اخیر فقط بعنوان زبان محلی باقی ماند و لهجه‌ها و
صورتهای متنوع از آن پدید آمد که یکی از آنها زبان سریانی است که از آرامی
متداول در اطراف ادسا (بین النهرین) ناشی شد .

زبان سریانی در قرون اولیه بعد از میلاد مسیح بسرعت در سراسر سوریه و بین‌النهرین غربی انتشار یافت. پس از فتوحات عرب در قرن هفتم بتدریج زبان عربی جایگزین زبان سریانی شد چندی بعد از طرف کاتبین وحی خط کوفی برای ضبط آیات قرآن برگزیده شد. بنا بقول ابن ندیم در الفهرست کسانی که در زمان پیغمبر برگردآوری قرآن پرداختند عبارت بودند از:

علی بن ابیطالب - سعد بن عبید بن نعمان بن عمرو بن زید - ابودرداه - عویم بن زید - معاذ بن جبل بن اوس - ابو زید ثابت بن زید بن نعمان - ابی بن کعب - عبید بن معاویه بن زید بن ثابت بن ضحاک .

پس از وفات پیغمبر نویسندگان قرآن زیاد شدند. ابوبکر زید بن ثابت را احضار میکند. وقتی زید وارد میشود میبیند عمر نیز نزد خلیفه نشسته است. ابوبکر اظهار میکند عمر میگوید روز یمامه (۱) کشتار سختی از قراء قرآن شده و اگر در جاهای دیگر اینگونه کشتارها اتفاق بیفتند بیم آن میرود که گروه بسیاری از قاریان قرآن نابود شوند. نظر ورأی من بر اینست که قرآن را بصورتی جمع آوری نمایم. من بعمر گفتم چگونه کاری را که رسول خدا نکرده است من انجام دهم؟ عمر گفت خدا میداند که این کار بسیار خوب و شایسته است و در این باره پی در پی بمن مراجعه می نمود تا آنکه خداوند بمن یارائی این کار را داد و من دیدم همان کار را که عمر پیش بینی میکرد.

زید گوید ابوبکر بمن گفت ترا جوان خرده‌مندی میشناسم که آلودگی بکارهای زشت و ناپسندنداری و نزد رسول خدا کاتب وحی بودی. بیا و بجستجوی قرآن برخیز و آنرا جمع آوری کن.

زید اضافه می کند بخدا سوگند که برداشتن کوهی از کوهها بر من

۱- یمامه جای بزرگی است در جزیره العرب که میان نجد و بحرین قرار دارد. در آنجا مسیلمه کذاب خروج کرد و در جنگی که میان او و مسلمانان بر سر کردگی خالد ولید اتفاق افتاد کشته شد.

سنگین تر از کار جمع آوری قرآن نبود. من از روی تکه پاره‌ها و سنگهای سفید و ساقه و شاخه‌های درخت خرما و سینه‌های مردم آنرا جمع آوری کردم. این قرآن نزد ابوبکر بود و بعد عمر آنرا با خود داشت و پس از مرگ عمر حفصه دختر عمر آنرا داشت.

اما اقدام زید باعث این نشد که در قرآن اختلافی پیش نیاید. غلط خواندن آیات حق در زمان پیغمبر نیز رواج کامل داشت. بطوریکه یکی از کاتبین وحی تقریرات پیغمبر را با تحریف و تنبیر مینوشت. مثلاً هر جا پیغمبر (سمیماً بصیراً) میفرمود او (سمیماً علیماً) مینوشت.

خط حمیری و کوفی هم برای ضبط دقیق آیات کافی نبود. خالد بن سعد بن العاص که از صحابه و کاتب بود (قول) را (قال) و (ك و ن) را بجای (كان) و (جنى) را بجای (جاء) مینوشت.

انس بن مالك نیز بجای (هى) (هیه) و بجای (هلم) (هله) و بجای (ان) (انه) مینوشت.

پیغمبر پس از تلقین آیات انگشت بر کلمات می گذاشت و می پرسید این کلمه را چگونه میخوانید ؟ و بدین ترتیب اشتباه کاتبان را برطرف می کرد.

بعد از رحلت پیغمبر حضرت علی بن ابیطالب می بیند بدینی در مردم نفوذ کرده است. از این سو و گو کند میخورد جامه از تن بر نگیرد مگر پس از جمع آوری قرآن و بهمین منظور سه روز در خانه نشست و بجمع آوری قرآن پرداخت و او اول کسی است که از حافظه خود قرآن را جمع آوری کرد و آن قرآن درخاندان جعفر نگهداری شد.

در زمان خلافت عثمان نیز حذیفه بن یمان از عراق براو وارد شد و گفت امت را دریاب قبل از آنکه در قرآن همان اختلافی را پیدا نمایند که یهود و نصاری در کتاب خود پیدا کردند.

عثمان برای حفصه پیغام فرستاد که قرآن را برای ما بفرست تا چند نسخه از آن برداریم و سپس آنرا بتو بازگردانیم.

حفصه (دختر عمو و همسر پیغمبر) آنرا فرستاد و عثمان، زید بن ثابت و عبدالله زبیر و سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام را مأمور کرد تا از آن نسخه برداری کنند. آنگاه دستور داد غیر از آن، هر چه باشد بسوزانند.

اگر چه عثمان با اسلوبی صحیح و بکمک تمام کاتبان و حتی قرآن را تدوین کرد اما در همان هنگام نیز قرائت مختلف بود زیرا اعراب و نقطه در خط کوفی وجود نداشت.

اولین کسی که نقطه‌های قرمز رنگ در بالا و زیر حروف گذاشت (ابوالاسود دؤلی) بود. نخستین کسی که نقاط سرخ مذکور را به علامات اعراب تبدیل کرد (خلیل بن احمد فراهیدی) بود که در قرن دوم میزیست. ابوالاسود معاصر با علی بن ابیطالب بود در زمان عبدالملک مروان نیز (نصر بن عاصم لیشی) نقطه گذاری را معمول داشت.

قرآن تا زمان هارون الرشید بر پوست نوشته میشد. یشکری از قول کردری روایت میکند که قبل از تدوین قرآن یک هزار و دو بیست و نود صورت مایه اختلاف قرآن بوده است.

بعد از وفات پیغمبر اصحاب غالباً نمی دانستند بعضی آیات را در کدام سوره و در دنبال چه آیتی بنویسند. سجستانی در کتاب المصاحب مینویسد در عهد ابوبکر آیه (لقد جاءکم رسول من انفسکم غیر علیہ ما علمتم حریر علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم) مورد گفتگوی بسیار گردید و هر یک از اصحاب نظری ابراز می داشت. سر انجام عمر آنرا به آخر سوره (برائت) ملحق کرد.

بهمین جهت است که بین برخی از آیات قرآن ارتباطی وجود ندارد.

در زمان مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی کاتب او عبدالحمید فارسی خط نسخ را اختراع کرد و نقطه گذاری را مرسوم داشت ولی بسیاری از نویسندگان، خط نسخ و اعراب را بدعت ایرانیان میدانستند و از آن پیروی نمی کردند.

در باره تعداد سوره های قرآن نیز اختلاف نظر موجود است. شیعه به پیروی از نظر امام جعفر صادق قرآن را صد و دوازده سوره میدانند زیرا سوره (فیل)

و (لایلاف) رایك سوره دانسته و سوره‌های (الضحی) و (الم نشرح) را نیز یکی شمرده است.

میمون بن مهران از علمای سنت و جماعت نظر امام جعفر صادق را پذیرفته ولی رؤسای مذاهب چهارگانه بعضی قرآن را صد و سیزده سوره و برخی صد و چهارده سوره میدانند.

درباره تعداد آیه‌ها هم عبدالله بن مسعود قائل به ۶۲۱۸ آیه است. نافع که از فقها بود ۶۲۲۰ آیه میدانند.

مفسرین عصر اموی مانند مکحول و عطاء بن یسار ۶۲۲۶ آیه و عطاء بن ابی رباح ۶۲۱۹ آیه و برخی دیگر مانند حسن بصری و ابن سیرین ۶۲۰۴ آیه میدانند.

جلال الدین سیوطی بیش از صد لغت در قرآن بسر شمرده و تصریح کرده که بعضی فارسی و برخی رومی و هندی و عبری و سریانی و حبشی و نبطی هستند.

نمونه معرباتی که از فارسی گرفته شده عبارتند از ابا ریق جمع ابریق معرب آبریز و سجیل در سوره فیل معرب سنگ و گل. شیطان و ابلیس را ابن فارس و ابن جنی و سیوطی دولغت رومی میدانند.

چون بسیاری از علماء از درك معانی این لغات عاجز بودند ۳۶ آیه را بازبان عرب و اصول آن مطابق ندیده لحن گرفته‌اند.

ترجمه قرآن از سال سیزدهم هجری توسط اصحاب پیغمبر آغاز گردید از نیمه دوم قرن یکم هجری نیز تفسیر قرآن مدون گردید. اولین کسی که تفسیر خود را تدوین کرد یکی از یاران امام محمد باقر بنام ابونصر محمد بن السائب بن بشر الکلبی بود که تفسیر خود را (آیات الاحکام) نامید. بعد از او پسرش بنام (هشام) از شاگردان امام جعفر صادق تفسیری نوشت که آنرا تفسیر الکبیر نام کرد.

جعد بن درهم استاد مروان آخرین خلیفه اموی نیز تفسیری نوشت که بهمین جرم در عهد ولید در روز عید اضحی بجای گوسفند قربانیش کردند و گفتند این مرد زندیق نوشته است قرآن مخلوق است نه خالق ۱